

عنوان نشست: ضرورت و ملزومات آمایش و پیمایش سیاسی در سیاست‌گذاری عمومی

شناسنامه نشست	
واحد برگزارکننده:	پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای فرهنگ پژوهی
مسئول و مجری نشست:	دکتر ابوالفضل دلاوری (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری:	۱۳۹۴/۱۲/۱۸
اعضای هیأت علمی:	دکتر فائر دین‌پرست، دکتر علی خورسندی، دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی (اعضای هیئت علمی گروه دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر علی کریمی مله (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران و مسئول گروه مطالعات سیاست‌گذاری دفتر بررسی‌های استراتژیک رئیس‌جمهور)؛ دکتر محمد قاسمی (عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و گروه مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس)؛ دکتر جواد کاشانی (عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه علامه طباطبائی و دبیر کمیسیون لوایح دولت)؛ دکتر حیدری (نماینده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی).
مسئله محوری نشست:	فقدان نهادهای متخصص و متولی بررسی و سنجش ابعاد سیاسی سیاست‌گذاری عمومی
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت کشور، مجلس شورای اسلامی

درهم تنیدگی و تأثیر متقابل عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی ایجاب می‌کند که به‌هنگام قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری برای هر یک از این عرصه‌ها، به نیازها، ملزومات و پیامدهای آن در دیگر حوزه‌ها نیز توجه شود. این وضعیت، سیاست‌گذاری را به امری بسیار پیچیده تبدیل کرده و به‌طور روزافزونی آن را به مطالعات و بررسی‌های

علمی و تخصصی مشروط ساخته است. در جوامع پیشرفته ده‌ها اندیشکده و مؤسسه پژوهشی در زمینه مسائل و سیاست‌های داخلی و خارجی مشغول فعالیت هستند و به‌مثابه پشتوانه‌های فکری و علمی نظام سیاست‌گذاری عمل می‌کنند؛ همچنین مؤسسات متعددی به‌صورت مستقل و تخصصی، فرایند اجرا و آثار و پیامدهای سیاست‌های اتخاذشده را مورد بررسی و سنجش قرار می‌دهند و نتایج کار خود را برای اصلاح و تکمیل سیاست‌ها در اختیار نظام سیاست‌گذاری قرار می‌دهند.

در ایران نیز، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، اقداماتی برای اتکای برخی از ابعاد سیاست‌گذاری به بررسی‌ها و مطالعات علمی و تخصصی صورت گرفته است. طرح آمایش سرزمین (شناخت فرصت‌ها و محدودیت‌های طبیعی و انسانی در مناطق و نواحی مختلف کشور) که از حدود دو دهه پیش در دستور کار نظام برنامه‌ریزی کشور قرار گرفت، از جمله چنین اقداماتی است. با وجود این، هنوز ابعاد زیادی از امر سیاست‌گذاری‌های عمومی، فاقد چنین خصایص و پشتوانه‌هایی است. در نظام نظارتی کشور نیز معمولاً فقط به ابعاد و پیامدهای اقتصادی و گاه فرهنگی قوانین و سیاست‌ها توجه می‌شود. لحاظ کردن «بار مالی» و یا «آثار توریستی و رکودی» لوائح قانونی، سیاست‌ها و تصمیمات دولتی در نهادهایی چون مجلس و شورای نگهبان و یا ملزم کردن طرح‌های ملی اقتصادی و اجتماعی به «پیوست فرهنگی» نشان‌دهنده توجه به چنین ابعادی است. این در حالی است که به نظر می‌رسد بخش مهمی از متغیرهای دخیل در توفیق یا شکست برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در عرصه سیاسی نهفته باشد.

البته نباید این نکته را ناگفته گذاشت که سیاست‌گذاری عمومی و تصمیم‌گیری سیاسی در ایران، اصولاً از جنس سیاسی است و با اهداف و انگیزه‌های سیاسی صورت می‌گیرد؛ بنابراین همواره نوع خاصی از بررسی‌ها و پیش‌بینی‌های خاص (یا همان آمایش) که غالباً نیز به ابعاد امنیتی سیاست‌ها مربوط می‌شود، در مورد آن، صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، دولت و نهادهای سیاست‌گذاری پیش از آنکه تصمیم یا سیاستی را اتخاذ کنند، معمولاً برخی زمینه‌ها و ملزومات سیاسی را البته براساس تجربیات یا شم سیاسی خاص خود لحاظ می‌کنند؛ همچنین، با همین روش و الگو، نوعی ارزیابی از پیامدهای سیاست‌های اتخاذی نیز صورت می‌گیرد. اما این گونه شناخت‌ها و ارزیابی‌ها، همواره در معرض اشتباهات و

آسیب‌های ناشی از ساده‌سازی، سویه‌نگری و جانب‌داری قرار دارد.

بنابراین، جای مطالعات و سنجش‌های علمی، تخصصی، مستقل و بی‌طرفانه در مورد این ابعاد سیاسی سیاست‌گذاری‌های عمومی در ایران خالی است. این در حالی است که در کشوری چون ایران که رابطه دولت و جامعه، نسبت به بسیاری دیگر از کشورها از پیچیدگی و آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار است، چنین بررسی‌ها و سنجش‌هایی آن‌هم به‌صورت نظام‌مند و مستمر، از ضرورت و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر، همان‌گونه که «آمایش سرزمین» برای برنامه‌ریزی‌های کلان و ملی اقتصادی و توزیع بهینه منابع و سرمایه‌ها امری ضروری است، آمایش سیاسی (به معنای شناخت زمینه‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های سیاسی) نیز برای طراحی و اجرای این سیاست‌ها و برنامه‌ها لازم است؛ همچنین همان‌گونه که آثار و پیامدهای اقتصادی و فرهنگی این برنامه‌ها و سیاست‌ها مورد توجه، ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد، لازم است آثار سیاسی آن‌ها نیز مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. با توجه به خلأ چنین مطالعات و سنجش‌هایی، پژوهشکده فرهنگ پژوهی دانشگاه علامه طباطبائی در نظر دارد مجموعه‌ای از نشست‌های تخصصی را با حضور صاحب‌نظران دانشگاهی و مسئولان دولتی برگزار کند تا ابعاد مختلف این موضوع مورد بررسی قرار گیرد و ملزومات و راهکارهای انجام مطالعات و پژوهش‌های مستمر و نهادمند در این زمینه شناسایی و به سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط ارائه شود.

چکیده مباحث نشست

۱. ویژگی‌ها و نارسایی‌های نظام سیاست‌گذاری عمومی در ایران

نظام سیاست‌گذاری عمومی در ایران، در مجموع چندان بر مبانی علمی، تفکر راهبردی استوار نیست و از ترتیبات سازمانی مناسب و نیروی کارشناسی کافی برخوردار نیست. در مقابل، این نظام به شدت سیاست‌زده، محافظه‌کار و ناکارآمد است. سیاست‌ها و تصمیمات سیاسی، غالباً براساس معیارها و ملاحظات شخصی، جناحی، منطقه‌ای و قومی صورت می‌گیرد؛ چندان آینده‌نگر نیست؛ تداخل‌ها و تعارضات سازمانی به آن راه یافته و در اجرا نیز با موانع مختلف درون‌سیستمی و برون‌سیستمی مواجه است. این در حالی است که جامعه

ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، از یک‌سو به یک جامعه بسیار پیچیده (دارای ساختارها و روابط چندلایه درونی و بیرونی) از سوی دیگر به یک جامعه پر مسئله (در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تبدیل شده است و خود این موضوع بیان‌کننده کاستی‌ها و ناکارآمدی نظام موجود سیاست‌گذاری است.

سیاست‌زدگی نظام سیاست‌گذاری عمومی در ایران، البته به معنای توجه به ابعاد سیاسی موضوعات و مسائل مورد نظر نیست، بلکه در ابعاد امنیتی (در معنای خاص آن که معطوف به کنترل سیاسی جامعه به سود حکومت است) و گاه به مطالبات و انتظارات کوتاه‌مدت گروه‌های حامی و پیرو خلاصه می‌شود؛ به عبارت دیگر مصالح درازمدت عمومی و حتی منافع راهبردی و درازمدت گروه‌های حامی و پیرو نیز چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مثال بارز در این مورد، نحوه تصمیم‌گیری و اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌هاست که به‌رغم اهمیت و مقیاس وسیع اقتصادی و اجتماعی آن، در هیچ مرحله‌ای، هیچ بحث و بررسی در مورد ابعاد مختلف سیاسی آن صورت نگرفت. تنها چیزی که گاه مطرح می‌شد (آن‌هم به‌طور غیررسمی و حاشیه‌ای) این بود که نباید در جریان اجرای این سیاست، گروه‌های اجتماعی طرفدار انقلاب و نظام، که به تعبیر مسئولان وقت، شامل طبقات و اقشار پایین جامعه بودند، آسیب ببینند. این در حالی بود که با اجرای آن سیاست، نه فقط یک طبقه راهبردی دیگر (یعنی طبقه متوسط شهری) تضعیف شد، بلکه در میان‌مدت خود همان اقشار و طبقات پایین هم تحت فشار پیامدهای تورمی آن سیاست قرار گرفتند. آثار و پیامدهای سیاسی منفی این موضوع، از چند سال بعد از اجرای آن سیاست تا به امروز، به‌خوبی خود را در تشدید واگرایی‌ها و منازعات سیاسی نشان داده است.

اصولاً سیاست‌گذاری عمومی در ایران، سیاست‌زده است و غالباً جنبه سلیقه‌ای و گاه فرمایشی و ظاهر‌سازانه دارد؛ به عبارت دیگر، برنامه‌ها و سیاست‌ها به‌شدت متأثر از رقابت‌ها و منازعات ناشی از جناح‌بندی‌های درون‌حکومتی یا منویات و علایق شخصی مقامات حکومتی و دولت‌مردان است. متون و اسناد راهبردی و سیاستی، غالباً مشتمل بر بیان آرمان‌ها، اهداف و راهبردهای کلی آن‌هم در قالب جملات شعارگونه است. به همین علت، وقتی این‌گونه برنامه‌ها و اسناد سیاستی به مرحله اجرا می‌رسند، از آنجا که بسیار کلی و مبهم، غیرواقع‌بینانه،

غیرکارشناسی شده هستند، تصمیم‌گیران و مجریان سیاست‌ها براساس چنین اسنادی را چنان سخت و عملیاتی نشدنی می‌بینند که عملاً آن را کنار می‌گذارند و به سمت الگوهای مألوف، یعنی سیاست‌های جناح‌محور، سلیقه‌ای، کوتاه‌مدت و غالباً ناهم‌سو و گاه نوسانی می‌کشانند.

۲. جای خالی توجه به ابعاد و پیامدهای سیاسی در نظام سیاست‌گذاری عمومی

در سال‌های اخیر، در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور گاه به‌طور محدود به ابعاد و مسائل فرهنگی سیاست‌ها توجه می‌شود. ضرورت تدوین پیوست فرهنگی در کنار پیوست‌های زیست‌محیطی، برای سیاست‌های اقتصادی، عمرانی در سال‌های اخیر نمونه‌ای از این توجه است (البته جدیت در اجرا و نظارت بر همین پیوست‌ها نیز محل تردید است). البته تردیدی نیست که همین توجهات اندک نیز امیدوارکننده است. اما سیاست‌های عمومی، ابعاد بیشتری دارند که بسیاری، از جمله مهم‌ترین آن‌ها، همچنان مغفول مانده است؛ برای مثال، رصد کردن سرمایه اجتماعی (میزان اعتماد افراد و گروه‌های مختلف به یکدیگر، به حکومت و به نهادهای سیاست‌گذار) از اهمیت زیادی در سیاست‌گذاری عمومی برخوردار است؛ زیرا این مقوله هم بر میزان موفقیت در اجرای سیاست‌ها و هم بر آثار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی این سیاست‌ها و به‌ویژه بر میزان تاب‌آوری اجتماعی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. اما این موضوع هیچ‌گاه به‌صورت نظام‌مند در دستور کار قرار نگرفته و گاه برخی نهادها و سازمان‌های دولتی به‌صورت غیرمنظم، سلیقه‌ای و بخشی به انجام مطالعاتی در این زمینه دست می‌زنند؛ همچنین سنجش میزان رضایت عمومی از اجرای سیاست‌های عمومی نیز امری مغفول در نظام سیاست‌گذاری و نظارتی کشور است. البته گاه چنین ارزیابی‌هایی به‌صورت شکلی و بوروکراتیک و غالباً به‌دست خود نهادهای مسئول انجام می‌شود که طبعاً چندان جدی و سودمند نیست.

این در حالی است که در کشورهای پیشرفته، چه قبل از سیاست‌گذاری و چه پس از اجرای آن، بررسی‌ها جدی آن‌هم به‌توسط مؤسسات مستقل و حرفه‌ای صورت می‌گیرد؛ برای مثال در انگلستان نهاد تخصصی ویژه‌ای برای تدوین لوایح قانونی وجود دارد که متشکل از ۵۰ نفر از زبده‌ترین حقوق‌دانان آن کشور است. همچنین در آمریکا ارزیابی آثار

و پیامدهای سیاست‌ها، به‌طور جدی و مستمر در مؤسسات تخصصی نظرسنجی و ارزیابی صورت می‌گیرد. در کره جنوبی نیز مرکز پژوهش‌های مجلس این کشور در مواردی به ارزیابی آثار و پیامدهای قوانین مصوب دست زده است.

۳. ضرورت ابتنای سیاست‌های عمومی بر پژوهش‌ها و سنجش‌های علمی

سیاست‌گذاری از نوع تصمیم‌گیری است. تصمیمات نیز سه نوع هستند: راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی. البته امروزه نوع چهارم سیاست‌گذاری‌ها با عنوان سیاست‌گذاری مبتنی بر احتمال هم مطرح است؛ بنابراین لازم است اطلاعات وسیعی از همه ابعاد و اجزاء موضوع و مسئله مورد نظر وجود داشته باشد؛ همچنین اجرای هر سیاستی، موجب آثار و پیامدهای متفاوت و گاه متعارضی برای گروه‌های مختلف اجتماعی است؛ بنابراین لازم است این آثار و پیامدها نیز مورد بررسی قرار گیرد. این در حالی است که سیاست‌گذاری عمومی در ایران، در بهترین شرایط، غالباً براساس برخی اصول و مفروضه‌های کلی نظیر آنچه در اسناد سیاستی می‌آید، استوار است. این اسناد غالباً متضمن اهداف کلی (آن‌هم اهداف حکومت) هستند و نه اطلاعات دقیق و جزئی در مورد امکان‌سنجی، ملزومات و الزامات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن سیاست‌ها. گاهی متن این اسناد آن‌چنان مبهم است که باید عده‌ای بیابند و توضیح دهند؛ به‌علاوه در سیاست‌گذاری‌های عمومی در ایران به گروه‌های ذی‌نفع وجه چندانی نمی‌شود. ما نمی‌دانیم که ذی‌نفع‌های فرعی، چه افراد و گروه‌هایی هستند؛ بنابراین اصولاً ارزیابی آثار و پیامدهای اجتماعی سیاست‌ها نیز موضوعیتی پیدا نمی‌کند. با وجود این، ضرورت چنین بررسی‌هایی امروزه بیش از هر زمانی احساس می‌شود.

بحث در مورد ارزیابی سیاست‌ها در معنای علمی و محققانه آن در ایران، سابقه چندانی ندارد و به‌تازگی آغاز شده است و البته هنوز مقامات و دولتمردان، آمادگی چنین کاری ندارند و روی خوشی به آن نشان نمی‌دهند. آن‌ها ترجیح می‌دهند براساس رویه‌های رایج در گذشته عمل کنند. در سال‌های اخیر، ضرورت انجام چنین بررسی‌هایی در کمیسیون‌های دولت مورد بحث قرار گرفت و از جمله این پیشنهاد مطرح شد که هر پیشنهادی که از سوی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی برای تبدیل به لایحه به کمیسیون‌ها داده می‌شود،

لازم است ۱۴ مشخصه را دارا باشد و از جمله اینکه باید شامل سازوکارهای ارزیابی آثار و پیامدهای اجرایی سیاست‌ها و اقدامات مربوط به آن لایحه هم باشد. اما تاکنون در عمل، توجه چندانی به این موضوع نشده است؛ بنابراین، تلاش برای مقید کردن دولت و نهادهای سیاست‌گذاری برای ابتدای سیاست‌ها بر مطالعات و بررسی‌های علمی و همچنین ارزیابی آثار و پیامدهای سیاست‌های اجراشده از ضرورت و اهمیت زیادی برخوردار است.

۴. پیش‌شرط‌ها و ملزومات آمایش و پیمایش ابعاد سیاسی سیاست‌گذاری عمومی

نظام سیاست‌گذاری عمومی در ایران، محتاج اصلاح اساسی است و یکی از ابعاد این اصلاح ابتدای سیاست‌گذاری بر مطالعات، سنجش‌ها و ارزیابی دقیق و بی‌طرفانه است. بررسی زمینه‌ها، فرصت‌ها و ملزومات سیاست‌گذاری‌ها (آمایش) باید در نهادهای تخصصی و مستقل صورت گیرد؛ همچنین در ارزیابی آثار و پیامدهای سیاست‌ها، علاوه بر مؤسسات تخصصی و مستقل، باید رسانه‌ها و عرصه‌های عمومی نیز توسعه پیدا کنند تا گروه‌های ذی‌نفع و عموم مردم، بتوانند به‌صورت مستقیم و سریع نظر بدهند و ارزیابی خود را در مورد سیاست‌های اعلامی یا اعمالی بیان کنند. دستیابی به چنین مهمی، البته شرایط و ملزومات متعددی را می‌طلبد:

نخست اینکه اجرای آمایش علمی به‌ویژه در مورد ابعاد سیاسی موضوعات مورد نظر سیاست‌گذاران پیش از اتخاذ تصمیم و سیاست‌گذاری مستلزم این است که مرجعیت علم و کارشناسی در حوزه‌های سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی به رسمیت شناخته شود و مبنای کار قرار گیرد؛ بنابراین، باید از وجود چنین ذهنیتی در میان دولت‌مردان و سیاست‌گذاران اطمینان نسبی حاصل شود.

دوم اینکه ارزیابی آثار و پیامدهای سیاست‌ها نیز متضمن این پیش‌فرض است که امکان و تمایل بازانندیشی در سیاست‌ها، چه در سطح راهبردی و چه تاکتیکی وجود دارد. در غیر اینصورت، به فرض که چنین بررسی‌ها و ارزیابی‌هایی هم صورت گیرد، فایده چندانی ندارد. سوم اینکه، بررسی علمی و ارزیابی سیاست‌های عمومی، به‌ویژه تمرکز بر ابعاد سیاسی این سیاست‌ها، مستلزم تحولات و اصلاحاتی در فضای سیاسی و الگوهای سیاست‌ورزی و

سیاستمداری در کشور است: گشودگی و شفافیت فضای سیاسی، چرخش آزاد اطلاعات، گسترش عرصه عمومی و توسعه مشارکت سیاسی و اصلاح الگوهای تصمیم‌سازی سیاسی و مشارکت گروه‌های اجتماعی ذی‌نفع در فرایند تصمیم‌گیری و سرانجام، تقویت مسئولیت‌پذیری و نقدپذیری دولت‌مردان و سیاست‌گذاران است.

چهارم اینکه انجام پژوهش‌ها و ارزیابی‌های نظام‌مند و مستمر و درعین‌حال، دقیق و کاربردی در زمینه سیاست‌گذاری نیازمند سرمایه‌های علمی و سنت‌های پژوهشی، متناسب با این موضوع است. در صورتی که پژوهشگران مجرب در حوزه‌های کاربردی سیاست یا سنت‌ها و ابزارهای مناسب برای پیمایش‌های سیاسی و سنجش و ارزیابی سیاست‌ها وجود نداشته باشد، به فرض وجود تمایل دولت‌مردان به انجام چنین پژوهش‌ها و آمادگی آنها برای بازاندیشی در سیاست‌ها، بازهم حاصل‌چندانی به بار نخواهد آمد؛ بنابراین، باید دید که گرایش‌ها و ظرفیت‌های آموزش و پژوهش، در رشته‌های علوم سیاسی و اجتماعی در ایران امروز تا چه حدی برای پاسخ‌گویی به این نیاز آمادگی دارد.

به نظر می‌رسد در هر چهار مورد نامبرده، هنوز در کشور ما با مشکلات و محدودیت‌های متعددی روبه‌روست؛ بنابراین، پیدایش و تدارک این شروط و ملزومات، خود نیازمند اصلاحاتی در ساختارها و رفتارها و پندارهای سیاسی است.

توصیه‌های سیاستی

۱. تقویت جهت‌گیری‌های کاربردی در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی رشته‌های علوم اجتماعی و علوم سیاسی از طریق راهاندازی گرایش‌های سیاست‌گذاری و سیاست‌سنجی (با رویکرد بین‌رشته‌ای) در دوره‌های تحصیلات تکمیلی این رشته‌ها، همچنین تأسیس مؤسسات پژوهشی تخصصی در این زمینه از سوی دانشگاه‌های معتبر؛
۲. الزام سازمان‌ها و نهادهای متولی سیاست‌گذاری عمومی (از سوی نهادهای نظارتی) به ارائه «پیوست‌های سیاسی» برای طرح‌ها و لوایح مربوط به سیاست‌گذاری عمومی. این پیوست باید شامل گزارش طرح آمایش (امکان‌سنجی، فرصت‌ها، ملزومات و چالش‌های سیاسی) و پیش‌بینی انجام ارزیابی و سنجش آثار و پیامدهای سیاسی آن

سیاست‌ها باشد؛

۳. الزام سازمان‌ها و نهادهای متولی سیاست‌گذاری عمومی به واگذاری طرح‌های آمایش و پیمایش سیاسی مرتبط با سیاست‌گذاری عمومی به مؤسسات پژوهشی مستقل و جلب مساعدت و همکاری نهادها و گروه‌های دخیل و ذی‌نفع برای انجام این بررسی‌ها و ارزیابی‌ها و تضمین امنیت مؤسسات و پژوهشگران مجری این طرح‌ها؛
۴. تشکیل بانک‌های اطلاعاتی جامع و روزآمد در مورد داده‌های مرتبط با امور و مسائل سیاسی و الزام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مسئول امور سیاسی و بین‌المللی (نظیر وزارت کشور، وزارت امور خارجه) به گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات و داده‌های مربوط به امور و رویدادهای سیاسی و تجميع آن‌ها در بانک‌های اطلاعات و فراهم کردن امکان دسترسی مؤسسات پژوهشی و پژوهشگران به این بانکها؛
۵. تقویت ارتباط نهادهای متولی سیاست‌گذاری عمومی با مؤسسات و مراکز پژوهشی مستقل. این کار در حال حاضر، می‌تواند با پیشگامی مراکز مطالعاتی و مؤسسات پژوهشی وابسته به نهادهای عالی سیاسی (نظیر مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز مطالعات وزارت کشور و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام) برای انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی مستقل و سفارش طرح‌های مربوط به آمایش و پیمایش سیاسی موردنیاز خود به آن‌ها آغاز شود؛
۶. ترویج فرهنگ ارزیابی، نقدپذیری، بازاندیشی و تجدیدنظر در قوانین، سیاست‌ها و تصمیماتی که نتایج و پیامدهای نامطلوب آن‌ها در این بررسی‌ها احراز می‌شود. این کار می‌تواند با پیشگامی قوه مجریه و سفارش پیمایش‌هایی برای سنجش آثار و پیامدهای سیاسی و اجتماعی برنامه‌ها و سیاست‌های در دست اجرای دولت (در مورد مسائلی نظیر هدفمندی یارانه‌ها، روابط خارجی، محیط‌زیست، سیاست‌های پولی و مالی و ...) آغاز شود. سپس این کار به اجرای طرح‌های آمایش سیاسی نیز تسری یابد؛
۷. توسعه و نهادینه کردن اجرای طرح‌های آمایش و پیمایش سیاسی از طریق تأسیس

پژوهشکده تخصصی. «نوع سوم» با همکاری نهادهای مسئول با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی. در این مورد پیشنهاد می‌شود مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری با همکاری دانشگاه علامه طباطبائی، ضمن شور، همکاری با پژوهشکده فرهنگ پژوهی دانشگاه علامه طباطبائی در زمینه اجرای طرح‌های پیمایش و سنجش ابعاد سیاسی برخی از برنامه‌ها و سیاست‌های دولت، زمینه‌های تأسیس پژوهشکده تخصصی مشترک (نوع سوم) را فراهم سازد.